



## وظایف مؤمنان نسبت به قرآن از منظر نهج البلاغه

طبیه نوروزی فحبی  
دبیر دینی و قرآن

اشاره

بهره‌گیری از دریای بی‌پایان معارف آن را به خوبی تبیین کرده‌اند. در این میان، حضرت علی (علیه‌السلام) نکات بسیار خوب و ارزنده‌ای در باب وظایف و تکالیف مؤمنان بیان داشته است. مقاله حاضر گاهی هر چند کوچک در مسیر شناساندن این وظایف به مؤمنان و عاشقان قرآن کریم از نگاه مولا علی (علیه‌السلام) در کتاب شریف «نهج‌البلاغه» است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نهج‌البلاغه، وظایف مؤمنان، تفکر و تدبیر، عمل به قرآن

**وظایف مؤمنان نسبت به قرآن با توجه به خطبه ۱۱۰**

• «قد امکن الکتاب من زمامه فهو قائده و امامه یحلّ حیث حلّ ثقله و ینزل حیث کان منزله»: اختیار خود را به قرآن سپرده، و قرآن را راهبر و پیشوای خود قرار داده است، هر جا که قرآن بار اندازد فرود آید، و هر جا که قرآن جای گیرد، مسکن گزیند. در اینجا حضرت ویژگی مؤمنان واقعی را به روشنی بیان کرده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱: ۳۷۹، ۱۴۷).

قرآن برترین و جامع‌ترین کتاب هدایت برای زندگی بشر است. قرآنی کتابی است برای انتخاب بهترین زندگی که سعادت جاودانه در پرتو آن تحقق می‌یابد؛ زیرا راه چگونه زیستن و چگونگی رفتار کردن با خداوند و انسان‌های دیگر را به خوبی تبیین کرده است.

زندگی حقیقی و حیات طبیه در پرتو علم و عمل به دستورها و رهنمودهای قرآن شکل می‌گیرد؛ چون قرآن روش درست زیستن را به انسان می‌آموزد و برنامه‌ای را که دربرگیرنده تمام ابعاد زندگی انسان و تضمین‌کننده سعادت فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی اوست، ارائه می‌دهد. بنابراین به میزانی که انسان آموزه‌ها و دستورهای قرآن را در زندگی به کار بندد، موفقیت کسب خواهد کرد اما هر اندازه از قرآن فاصله بگیرد، دچار خسارت و ضرر خواهد شد.

البته امامان معصوم ما، که راهنمایان راه سعادت و آگاه‌ترین افراد نسبت به قرآن کریم هستند، وظایفی را برای مؤمنان در قبال آن بر شمرده‌اند و نحوه برخورد با قرآن و

• «و تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَآتَهُ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَآتَهُ رِبْعِ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفَوْا بِنُورِهِ فَآتَهُ شِفَاءَ الصَّدُورِ وَ أَحْسَنُوا تِلَاوَتَهُ فَآتَهُ أَنْفَعُ الْقِصَصِ»؛ و قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید که بهار دل هاست. از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است، و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سودبخش‌ترین داستان هاست (همان: ۲۱۱).

در این سخن امام (علیه‌السلام) در واقع چهار مرحله مختلف که به‌طور طبیعی یکی بر دیگری تقدم دارد، مطرح شده‌اند:

### الف) قرآن را فرا گیرید

در مرحله نخست، دستور به فراگرفتن قرآن می‌دهد و آن را «احسن الحدیث» می‌شمرد؛ چرا که جامع‌ترین دستور سعادت انسان هاست.

### ب) در قرآن تفکر و تدبیر کنید

در مرحله بعد، به تفکر و اندیشه در معنا و محتوای آن دستور می‌دهد، چرا که بهار دل هاست. همان‌گونه که در فصل بهار، شکوفه‌ها و گل‌ها و سبزه‌ها همه‌جا می‌رویند، به برکت قرآن مجید نیز گل‌های فضایل اخلاق و شکوفه‌های معارف الهیه بر صفحه دل ظاهر می‌شود و آن کس که حیات انسانی از آن نگیرد، همچون درخت خشکیده‌ای است که در فصل بهار، تکان نمی‌خورد (هر درختی که به نوروز نجند حطب، (هیزم) است).

### ج) شفای خود را از قرآن بطلبید

در مرحله سوم، دستور به عمل می‌دهد و می‌فرماید: «از نور آیات الهی شفا بگیرید؛ همان‌گونه که تعدادی از بیماران از پرتو نور آفتاب، سلامتی خود را بازمی‌یابند و محیط زندگی آن‌ها با تابش نور آفتاب از عوامل بیماری پاک‌سازی می‌شود که گفته‌اند: آنجا که آفتاب بتابد، طبیب نیاید.»

### د) قرآن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید

و در مرحله چهارم، با جمله «أحسنوا تلاوته...» (قرآن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید...) تا دل‌های مشتاقان به‌سوی آن جذب شود و دورافتادگان، به آن نزدیک گردند، وظیفه تبلیغ صحیح قرآن را گوشزد می‌کند.

امام (علیه‌السلام) با این چهار دستور، وظیفه مردم را در برابر قرآن مجید مشخص کرده است. ای کاش تنها به تلاوت و تجوید و زیبایی صوت و قرائت، قناعت نمی‌شد و مراحل دیگر، که هدف اصلی را تشکیل می‌دهد، درباره قرآن پیاده می‌گشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۳۵-۶۳۳).

## قسمتی از خطبه ۱۷۶ و بخشی دیگر از وظایف مؤمنان

«و ما جالس هذا القرآن احد الآ قام عنه بزيادة او نقصان زیاده فی هدی او نقصان من عمی و اعلموا انه لیس علی احد بعد القران من فاقه و لا لأحد قبل القران من غنی فاستشفوه من ادوائکم و استعینوا به علی لاوائکم فان فیہ شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و التفاق و الغی و الضلال فاسألوا الله به و توجّهوا الیه یحبّه و لا تسألوا به خلقه انه ما توجّه العباد الی الله تعالی یمثله و اعلموا انه شافع مشقّع و قائل مصدّق و انه من شفع له القران یوم القیامه شفّع فیہ و من محل به القرآن یوم القیامه صدّق علیه فانه ینادی منادی یوم القیامه الا ان کل حارث مبتلی فی حرثه و عاقبه عمله غیر حرثه القرآن فکونوا من حرثته و اتباعه و استدلوّه علی ربکم و استنصحوه علی انفسکم و آتهموا علیه آراءکم و استغشوا فیہ اهواءکم.»

کسی با قرآن هم‌نشین نشده، مگر اینکه چون از کنار آن برخاسته، در او فرونی یا کاهش پدید آمده است؛ فرونی در هدایت و صلاح و کاهش در کوردلی و فساد. و بدانید هیچ کس را پس از تمسک به قرآن بینوایی و

تهیدستی نیست، و پیش از آن، کسی را توانگری و بی‌نیازی میسر نمی‌باشد. بنابراین، برای دردهای خود از آن بهبودی بخواهید و برای رفع سختی‌ها و گرفتاری‌های خویش از آن کمک بجویید. زیرا شفای بزرگ‌ترین دردها در قرآن است، و آن درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است. پس خواسته‌های خود را به‌وسیله آن از خداوند بخواهید، و با مهر قرآن به‌سوی خدا رو آورید. و آن را وسیله خواهش از بندگانش قرار ندهید؛ زیرا بندگان خدا نمی‌توانند با چیزی

گرامی‌تر از قرآن به پروردگار رو آورند، و هم بدانید که قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش مقبول است و گوینده‌ای است که سخنش پذیرفته است و کسی را که قرآن در روز رستاخیز شفیع شود، مورد شفاعت قرار گرفته، و هر کس قرآن در قیامت از او بدگویی کند، گفتارش به‌ضرر او مورد قبول قرار می‌گیرد. زیرا در روز قیامت ندا کننده‌ای فریاد می‌کند: «آگاه باشید، امروز هر کشت کننده‌ای گرفتار کشته خود و دچار فرجام کار خویش است، جز آنان که بذر قرآن را کشته و آن را ذخیره خود ساخته‌اند.»

بنابراین شما از کشت کنندگان و پیروان قرآن باشید و آن را راهنمای راه پروردگارتان قرار دهید و برای اصلاح نفس خود از آن اندرز بگیریید و در صورت مخالفت، اندیشه‌هایتان را متهم سازید، و خواسته‌های خود را نادرست بدانید (نهج‌البلاغه، ۳۳۷: ۳۳۳).

شما از کشت کنندگان  
بذر قرآن باشید و آن را  
راهنمای راه پروردگارتان قرار  
دهید و برای اصلاح نفس  
خود از آن اندرز بگیریید  
و در صورت مخالفت،  
اندیشه‌هایتان را متهم  
سازید، و خواسته‌های خود  
را نادرست بدانید

## عمل به قرآن مانع فقر و تنگدستی است

امام (ع) تذکر می‌دهد که پس از قرآن برای کسی ناداری و فقری باقی نیست. یعنی پس از نزول قرآن و بیان روشن آن، مردم برای اصلاح امور معاش و معاد خود به هیچ حکم و دستوری نیاز ندارند. همچنین فرموده است برای کسی پیش از قرآن هیچ‌گونه غنا و توانمندی وجود نداشت. مراد این است که پیش از نزول قرآن، برای نفوس گمراه و نادان هیچ‌گونه بی‌نیازی از آن وجود نداشته است (ابن میثم، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

عمل به قرآن یعنی رعایت عدالت، انصاف، مروت، امانت، راستی، درستکاری، ترحم و عطف، عفت و پاک‌دامنی و ... پیداست که هر جامعه‌ای، اگر این امور را رعایت کند، گرفتار فقر و تنگدستی نخواهد شد و اگر رعایت نکنند، نتیجه‌ای جز فقر و فاقه نخواهد داشت (فولادگر، ۱۳۸۶: ۴۴).

## کسی که عمل به قرآن را مزروعۀ آخرت خود سازد، از عذاب الهی مصون است

«فانه لا ینادی مناد یوم القیامه...» تا آخر. منظور از

فریاد کننده، زبان حال اعمال آدمی است و مراد از حرث یا زرع، هر عملی است که از آن فایده‌ای خواسته می‌شود و ثمره‌ای از آن به‌دست می‌آید. غرض از ابتلا در اینجا آثار اعمال زشت و عواقب بد آن‌هاست که نفس به آن‌ها دچار می‌شود و به اندازه انحراف و خروج از طاعت پروردگار، گرفتار کیفر و عذاب می‌گردد. آشکار است کسی که عمل به قرآن را مزروعۀ آخرت خود سازد و کوشش در فهم معانی و مقاصد آن را وسیله تکمیل و تهذیب نفس خود قرار دهد، از ابتلا به کیفرها و عذاب‌ها مصون خواهد بود. پس از

آن، آنان را تشویق می‌کند که از کشت کنندگان بذر قرآن و پیروان آن باشند (ابن میثم، ۱۳۸۷: ۳۱۷).

در پایان این سخن، امام (علیه‌السلام) به این حقیقت اشاره می‌فرماید که باید قرآن در همه چیز، معیار و مقیاس اصلی باشد. امام می‌فرماید: «پروردگارتان را با قرآن بشناسید و خویشتان را با آن اندرز دهید (و هرگاه نظر شما برخلاف قرآن بود) و در برابر قرآن، آرای خود را متهم کنید و خواسته‌های نفسانی خویش را در برابر آن نادرست بشمارید.» (و استدلاله علی ربکم، و استتصحه علی انفسکم، و اتهموا علیه آراءکم، و استغشوا فیه أهواءکم).

امام (علیه‌السلام) در این چند جمله کوتاه به سه نکته مهم اشاره می‌فرماید:

۱. اعتقادات صحیح را باید از قرآن گرفت.
۲. اخلاق و رفتار مطلوب را باید از طریق قرآن کسب کرد.

۳. قرآن باید مقیاس و معیار سنجش حق و باطل باشد. آنچه با قرآن هماهنگ است، صحیح و بارز و آنچه مخالف آن است، باطل و بی‌ارزش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ج ۶: ۵۶۲-۵۶۰).

شرح بخشی از خطبه ۱۳۳ و نگاهی به برخی از وظایف دیگر مؤمنان

«کتاب الله تبصرون به و تنطقون به و تسمعون به و ...» این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید، با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید (دستی، ۱۳۷۹: ۲۵۳).

### ۱. با قرآن حقایق را ببینید

«کتاب الله تبصرون به» یعنی: این کتاب خداست که می‌توانید با آن حقایق را ببینید.

آن‌ان که به اعتبار مقام انسانیت چشم دل می‌گشایند و به اصطلاح، روشن‌بین و اهل بصیرت می‌شوند، نهایت تلاش خود را در جهت تشخیص حق از باطل، آن هم از هر وسیله ممکن، به کار می‌گیرند؛ باشد که از این طریق بتوانند گام‌های مؤثری به سوی کمال و قرب الی الله بردارند ولی به یقین باید گفت و پذیرا شد که در این راستا، هیچ وسیله و ابزار بصیرتی به پای قرآن نمی‌رسد. لذا حضرت می‌فرماید: «این کتاب خداست که به وسیله آن می‌توانید صاحب بصیرت شوید. از حقایق آگاه گردید، راه حق را از باطل تمیز دهید و صراط مستقیم را بشناسید و دنبال کنید.

### ۲. به وسیله قرآن سخن بگویید

«و تنطقون به» یعنی: و با آن قرآن

کریم- سخن گوید.

هر مسلمانی به حکم ایمانش موظف است که سخنی جز حق نکوید و کلامی جز سخن راست بر زبان جاری نسازد و جز به قصد حقیقت‌گویی، دهان خود را نگشاید که خدایش در کلام مجید خود فرمود: «یا نساء...» (احزاب/ آیه ۳۲). آیه شریفه ملهم این مطلب است که سخن حق گفتن از مصادیق بارز تقواست و شاید به همین خاطر هم باشد که در حدیث آمده است که هرگز پیامبر اکرم (ص) بر منبرش ننشست، مگر اینکه همین آیه را تلاوت فرمود. اما باید به هوش باشیم که گفتاری این ویژگی‌ها را دارا می‌شود، یعنی از مصداق‌های تقوا و قول سدید قرار می‌گیرد، که منبعث از قرآن مجید باشد (جهان مهین، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

حضرت در جای دیگر سخن حق گفتن براساس قرآن را این‌گونه بیان فرموده‌اند: «من قال به صدق»: کسی که از قرآن سخن بگوید، راست گفته است.

**پروردگارتان را با قرآن بشناسید و خویشتان را با آن اندرز دهید (و هرگاه نظر شما برخلاف قرآن بود) و در برابر قرآن، آرای خود را متهم کنید و خواسته‌های نفسانی خویش را در برابر آن نادرست بشمارید**

قرآن، سخن خدا و گفتار حق است. در آن کژی و انحراف راه ندارد و هر چه در آن بیان شده است، جز حقیقت و واقعیت نیست. بنابراین کسی که مطابق قرآن سخن بگوید، در سخنش کژی، انحراف و دروغ نیست، بلکه عین حق است (ابراهیمی، ۱۳۸۰: ۲۲).

### به فرزندان خود قرآن بیاموزید

«انّ للولد علی الوالد حقاً، و انّ للوالد علی الولد حقاً، فحقّ الوالد علی الولدان یطیعه فی کلّ شیء الا فی معصیه الله سبحانه، و حقّ الولد علی الوالد ان یحسّن اسمه، و یحسّن ادبه و یعلّمه القرآن»؛ فرزندان را بر پدر حقی و پدر را بر فرزند حقی است. حق پدر آن است که فرزندش وی را در هر امری جز در معصیت خدای سبحان فرمان برد و حق فرزند آن است که پدرش او را نام نیکو نهد و او را با ادب و آراسته بار آورد و قرآن را به او بیاموزد (همان، ص ۲۳ و ۲۴).

### پیروی حکومت از قرآن

قرآن ناطق، علی(علیه السلام) از جمله جاهایی که بر حضور قرآن تأکید و سفارش زیاد کرده، عرصه حکومت و عملکرد زمامداران است. آن حضرت خطاب به حارث همدانی، که از یاران مخلص و از فقها و بزرگان شیعه بود، می فرماید: «و تمسک بحبل القرآن و استنصحه و احل حلاله و حرم حرامه»؛ به رشته قرآن چنگ بزن و پندهایش را پذیرا باش. حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار.

مولانا امام علی(علیه السلام) در این فراز کوتاه ولی بسیار عمیق، به حاکمان و زمامداران در رابطه با قرآن چند وظیفه اساسی را گوشزد کرده است که هر یک می تواند در جامعه و حکومت تحوّل عظیم ایجاد کند:

(الف) قرآن محوری در تمام عرصه های حکومت؛

(ب) ملاک و معیار بودن مقررات و ارزش های قرآنی در

گفتار و رفتار فردی و سیاسی؛

(ج) اجرای قوانین حلال و حرام به عنوان دستورالعمل

اجرائی حکومت (رحمانی، ۱۳۷۹: ۱۲۵-۱۲۴).

### شرح فقراتی از خطبه ۱۵۵

«وعلیکم بکتاب الله فانّه الحبل المتین...»؛ و بر شما باد به

کتاب خدا که به یقین ریسمانی است استوار.

«متین» از ریشه «متن» و متن در اصل گوشت محکمی

است که در کنار تیره پشت قرار دارد. به همین دلیل به هر چیز

محکمی متین گفته می شود. بدین ترتیب «حبل متین» یعنی

طناب و ریسمان محکم. بشر در همه دوران ها برای انجام کارها و به خصوص کارهای سخت، از طناب به عنوان ابزاری رایج و وسیله ای نیکو استفاده کرده است ولی چون به محل استفاده و کاربرد طناب دقت شود، دریافت خواهد شد که در عموم موارد طناب نقش کارگشایی و نجات بخشی دارد.

انسان از قعر دره مادیت، چاه تاریک غرایز سرکش و دریای ژرف جهل و نادانی بیرون نخواهد آمد و نجات و رهایی نخواهد یافت، مگر آنکه از ریسمان و وسیله ای محکم بهره جوید که این رشته نیرومند چیزی جز قرآن و کسانی جز اهل بیت(علیهم السلام) نیست (جهان مهین، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

### نتیجه گیری

با عنایت به آنچه گذشت، می توان وظایف مؤمنان را در قبال قرآن کریم از نگاه مولا علی(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه چنین برشمرد: اولین وظیفه، فراگیری قرآن است، بعد تفکر و تدبیر و سپس عمل به آن، که راهی برای شفا یافتن بیماری های روحی مؤمنان است، و سرانجام تلاوت نیکو

و عمل به محتوای روح بخش قرآن؛ زیرا هر گونه فقر و تنگدستی را از فرد و جامعه می زداید. اعمال مؤمنان باید هماهنگ با تعلیمات قرآن باشد تا از عذاب الهی مصون بمانند. لازم است مؤمنان اعتقادات صحیح، اخلاق و رفتار مطلوب را از قرآن بگیرند و آن را معیار سنجش حق و باطل در هر امری قرار دهند. به وسیله قرآن حقایق را ببینند، طبق قرآن سخن حق گویند و دروازه گوش خود را فقط بر روی سخنان حق باز کنند. به فرزندان خود قرآن بیاموزند و آن ها را به آداب آن تربیت کنند. زمامداران نیز در عرصه حکومت و اداره

جامعه، به پیاده کردن دستورات حیات بخش آن اهتمام ورزند و همگان در نهایت فقط به این ریسمان محکم الهی چنگ زنند تا از غرق شدن در مادیات، غرایز سرکش و جهل و نادانی نجات یابند.

### انسان از

قعر دره مادیت، چاه تاریک غرایز سرکش بیرون نخواهد آمد و نجات و رهایی نخواهد یافت، مگر آنکه از ریسمان و وسیله ای محکم بهره جوید که این رشته نیرومند چیزی جز قرآن و کسانی جز اهل بیت(علیهم السلام) نیست

منابع

۱. ابن میثم، علی بن میثم، شرح نهج البلاغه. (ج ۱). مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان. ۱۳۸۷. (منبع الکترونیکی).
۲. ابراهیمی، ناصر. «قرآن در نهج البلاغه». مجله رشد آموزش معارف اسلامی. شماره ۴۴. بهار ۱۳۸۰.
۳. دشتی، محمد. نهج البلاغه. مشهور. چاپ اول. قم. ۱۳۷۹.
۴. رحمانی، محمد. «قرآن از نگاه امام علی(علیه السلام)». مجله بینات. شماره ۲۸. زمستان ۱۳۷۹.
۵. جهان مهین، شکرالله. قرآن از دیدگاه نهج البلاغه. انتشارات هاد. چاپ اول. تهران. ۱۳۷۹.
۶. فولادگر، محمد. «قرآن در نهج البلاغه». مجله کوثر. شماره ۲۶. زمستان ۱۳۸۶.
۷. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان. پیام امام امیرالمؤمنین(علیه السلام). دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول. تهران. ۱۳۷۹.